

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»

تذکرہ

Ketabton.com

نویسنده: فرید اللہ مهاجر

عنوان و نام کتاب : تذکره فتنه

نویسنده: فریدالله مهاجر

موضوع: فتنه شناسی

ترتیب: فریدالله مهاجر

منبع: قرآن حدیث صحیح و روایت اسلامی

تعداد صفحه: ۷۸

حق چاپ محفوظ است

این کتاب را تقدیم می کنم به پدر عزیزم

خداوند او و ما را با جمیع مسلمانان پیامرزد

فهرست عناوین شماره صفحه

مقدمه: ۹

بخش اول اهمیت بحث دجال در اسلام: ۱۳

دجال و فتنه: ۱۴

بخش دوم مفهوم فتنه در قرآن و سنت: ۱۸

فتنه شناسی: ۱۹

از نگاه قرآن و سنت: ۲۱

بخش سوم ریشه‌شناسی

و معنای لغوی و اصطلاحی «دجال»: ۲۴

۱. معنای لغوی «دجال»: ۲۴

۲. معنای اصطلاحی در شریعت: ۲۵

۳. پیوند میان مسیح و دجال (تضاد دو مسیح): ۲۵

۴. القاب دیگر دجال در سنت: ۲۶

المسیح الدجال برای تمایز قطعی میان او

و حضرت عیسی علیه السلام: ۲۷

بخش چهارم ویژگیهای جسمانی

دجال در احادیث صحیح: ۲۸

شناخت ویژگیهای جسمانی دجال: ۲۹

یک چشم بودن دجال: ۲۹

نوشته شدن کافر بر پیشانی دجال: ۳۱

رنگ چهره، قامت و هیکل دجال: ۳۲

شبهات نسبی دجال به بعضی افراد: ۳۳

دجال انسان است، نه موجود خیالی: ۳۴

حکمت بیان جزئیات جسمانی دجال: ۳۴

بخش پنجم ویژگیهای اخلاقی

و روانی دجال و روشهای فریب او: ۳۶

روش های فریب دجال: ۳۷

دجال، دروغگوی بزرگ: ۳۷

غرور، تکبر و ادعای ربوبیت: ۳۸

بهره‌گیری از نیازها و ترسهای مردم: ۳۹

مهارت در مشتبه ساختن حق و باطل: ۴۰

سرعت نفوذ و قدرت اثرگذاری اجتماعی: ۴۱

تأثیرگذاری بر افراد ساده دل و ضعیف العلم: ۴۱

دجال و روانشناسی استعباد: ۴۲

چرا روشهای دجال مؤثر میشود؟: ۴۳

جمعبندی بخش: ۴۴

بخش ششم قدرتها و تصرفات دجال

در احادیث صحیح: ۴۵

همراه داشتن چیزی شبیه به بهشت و جهنم: ۴۶

فرمان دادن به آسمان برای باریدن باران: ۴۷

فرمان دادن به زمین برای بیرون آوردن گنج ها: ۴۸

سرعت حرکت در زمین: ۴۹

زنده نشان دادن مردگان: ۴۹

محدودیت قدرت دجال: ۵۰

جمعبندی بخش: ۵۰

بخش هفتم مدت اقامت و گستره

جغرافیایی فتنه دجال: ۵۱

مدت ماندگاری دجال در زمین: ۵۲

فقه نماز در روزهای طولنی (دیدگاه فقهی): ۵۳

گستره حرکت دجال در پهنه گیتی: ۵۴

پناهگاههای امن: مکه و مدینه: ۵۴

سایر مناطق حفاظت شده: ۵۵

مسیر حرکت و نقطه آغازین: ۵۶

حکمت سرعت و گسترده حرکت او: ۵۶

جمع بندی بخش: ۵۷

بخش هشتم پیروان دجال؛

چه کسانی و چرا به او میپیوندند؟: ۵۸

یهودیان و پیوند تاریخی آنان با دجال: ۵۹

منافقان و کسانی که در دل بیمارند: ۶۰

جاهلان و بادیه نشینان (افراد سطحی نگر): ۶۰

زنان و هشدار به خانوادهها: ۶۱

پیروان دنیا و شکمپرستان: ۶۲

انگیزه های اصلی الحاق به لشکر دجال: ۶۲

بصیرت؛ تنها راه نجات: ۶۳

جمع‌بندی بخش: ۶۳

بخش نهم راه‌های مصونیت از فتنه دجال

بر اساس سنت نبوی: ۶۴

پناه بردن به دعا و استعاذه در نماز: ۶۵

انس با سوره کهف؛ رمز و راز نجات: ۶۶

چرا سوره کهف؟: ۶۶

شناخت صفات پروردگار

و صفات دجال (بصیرت علمی): ۶۷

دوری جستن و فرار از مواجهه با دجال: ۶۷

سکونت در مکه و مدینه: ۶۸

تمسک به جماعت و همراهی با صالحان: ۶۸

آمادگی برای سختیها (زهد و قناعت): ۶۹

جمع‌بندی بخش: ۶۹

بخش دهم فرجام دجال؛

نزول عیسی علیه السلام و نابودی فتنه: ۷۰



زمان نزول عیسی علیه السلام: ۷۱

محل نزول: ۷۲

امامت نماز و وحدت امت: ۷۲

رویارویی با دجال: ۷۳

سرنوشت پیروان دجال: ۷۴

برقراری عدالت و شکستن صلیب: ۷۴

پیام نهایی این فرجام: ۷۵

جمعبندی نهایی کتاب: ۷۶

خلاصهای از آموخته های کلیدی: ۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله ربّ العالمين، نحمده ونستعينه ونستغفره ونؤمن به ونتوكلّ عليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلّ له ومن يضلّل فلا هادي له، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، ونشهد أن محمداً عبده ورسوله، أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كلّه ولو كره الكافرون، صلّى الله عليه وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

اما بعد؛

از بزرگ‌ترین حقایقی که قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم انسان‌ها را به آن آگاه ساخته‌اند، حقیقت «فتنه» در زندگی بشر است. تاریخ انسان از آغاز آفرینش تا پایان جهان، میدان آزمایش و امتحان بوده است؛ گاهی این امتحان در قالب نعمت و رفاه، و گاهی در قالب سختی، جنگ، گمراهی و فتنه‌ها ظاهر می‌شود. خداوند متعال انسان را در این دنیا برای آزمایش آفریده است تا مؤمنان راستین از مدعیان دروغین جدا شوند و دل‌هایی که به نور ایمان روشن شده‌اند از دل‌هایی که در تاریکی شک و هواپرستی فرو رفته‌اند شناخته شوند.

قرآن کریم بارها به حقیقت آزمایش و فتنه اشاره کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ آیا

مردم گمان کرده‌اند که همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

این آیه و آیات فراوان دیگر نشان می‌دهد که سنت الهی بر آن جاری است که بندگان خود را در عرصه‌های گوناگون بیازماید تا حقیقت ایمان آنان آشکار گردد. در میان همه فتنه‌هایی که در طول تاریخ بشر رخ داده و خواهد داد، برخی فتنه‌ها چنان عظیم و فراگیرند که پیامبران الهی به‌طور ویژه امت‌های خود را از آن‌ها برحذر داشته‌اند. یکی از بزرگ‌ترین این فتنه‌ها که در روایات صحیح اسلامی از آن به عنوان بزرگ‌ترین آزمایش برای بشر یاد شده است،

«**فتنه مسیح دجال**» است؛ فتنه‌ای که در آخرالزمان رخ خواهد داد و بسیاری از مردم به سبب جهل، ضعف ایمان یا فریب ظواهر، در آن گرفتار خواهند شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بارها و بارها امت خود را از این فتنه برحذر داشتند، به گونه‌ای که در احادیث صحیح آمده است هیچ پیامبری از زمان حضرت نوح علیه السلام تا زمان خاتم الانبیاء صلی الله علیه وسلم نبوده است مگر آنکه قوم خود را از فتنه دجال بیم داده است. این امر نشان می‌دهد که مسئله دجال نه یک موضوع حاشیه‌ای یا داستانی تخیلی، بلکه حقیقتی بزرگ در سنت الهی و در تاریخ آینده بشر است.

با این حال، در طول زمان درباره مسئله دجال سخنان گوناگونی گفته شده است. برخی از مردم در اثر ناآگاهی، مطالب غیر مستند و داستان‌های ضعیف را به این موضوع افزوده‌اند و چهره‌ای آمیخته با افسانه از آن ساخته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر تحت تأثیر تفکرات جدید یا گرایش‌های عقل‌گرایانه افراطی، اصل این مسئله را انکار کرده یا آن را صرفاً نمادی از برخی پدیده‌های اجتماعی

دانسته‌اند. هر دو رویکرد، انسان را از فهم صحیح این حقیقت دور می‌سازد؛ زیرا راه درست همان راهی است که حدیث صحیح بر آن بوده‌اند:

تمسک به قرآن کریم، اعتماد به احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم و فهم این نصوص در پرتو سخنان علمای معتبر امت.

هدف از نگارش این کتاب آن است که مسئله دجال و فتنه بزرگ او بر اساس منابع اصیل اسلامی بررسی شود؛ به گونه‌ای که خواننده بتواند تصویری روشن، علمی و مستند از این موضوع به دست آورد. در این پژوهش تلاش شده است که مطالب بر پایه آیات قرآن، احادیث صحیح و اقوال علمای برجسته تنظیم شود و از نقل روایت‌های ضعیف، داستان‌های بی‌اساس و تحلیل‌های غیر مستند پرهیز گردد.

همچنین کوشش شده است که این بحث تنها به نقل روایات محدود نماند، بلکه ابعاد اعتقادی، تربیتی و اجتماعی آن نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا هدف اصلی از بیان این احادیث در سنت نبوی، صرفاً اطلاع دادن از رویدادی در آینده نیست، بلکه آماده ساختن دلهای مؤمنان برای مواجهه با فتنه‌ها و تقویت ایمان و بصیرت آنان است. کسی که حقیقت فتنه دجال را می‌شناسد، در واقع می‌آموزد که چگونه در برابر بزرگ‌ترین آزمون‌های عقیده و ایمان ایستادگی کند.

در این کتاب ابتدا به مبانی اعتقادی مسئله فتنه و جایگاه آن در قرآن و احادیث صحیح پرداخته می‌شود، سپس عقیده اهل سنت درباره دجال بررسی می‌گردد و پس از آن صفات، نشانه‌ها و ویژگی‌های این شخصیت در پرتو احادیث صحیح توضیح داده خواهد شد. در ادامه، چگونگی وقوع فتنه دجال، گستره تأثیر آن در جهان، و سرانجام پایان این فتنه با نزول حضرت عیسی علیه السلام و نابودی دجال بیان می‌شود. در پایان نیز مهم‌ترین شبهات معاصر درباره این

موضوع بررسی شده و وظیفه مسلمانان در برابر فتنه‌های بزرگ زمانه یادآوری می‌گردد.

بی‌تردید آگاهی از این مسائل تنها زمانی سودمند خواهد بود که با تقویت ایمان، صدق در عبادت، تمسک به قرآن و سنت و طلب هدایت از خداوند همراه باشد. زیرا در نهایت، آنچه انسان را از فتنه‌ها نجات می‌دهد نه صرف آگاهی نظری، بلکه ایمانی است که در دل استوار شده و با عمل صالح تقویت گشته است.

از خداوند متعال مسئلت داریم که این تلاش ناچیز را خالصانه برای رضای خود بپذیرد، آن را سودمند گرداند و دل‌های ما و خوانندگان این کتاب را از گمراهی‌ها و فتنه‌های آشکار و پنهان محفوظ بدارد. همچنین از او می‌خواهیم که ما را از کسانی قرار دهد که در هنگام آشکار شدن فتنه‌ها بر حق ثابت می‌مانند و با بصیرت و یقین راه هدایت را دنبال می‌کنند.

وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وإلیه أنیب.

بخش اول

اهمیت بحث دجال در اسلام

دَجَّال و فتنه

بحث از دَجَّال و فتنه او، از مباحث اساسی در عقیده اسلامی و از موضوعاتی است که قرآن کریم و سنت صحیح نبوی به گونه‌ای جدی و هشداردهنده بدان پرداخته‌اند. این موضوع هرگز در شمار مسائل فرعی یا حاشیه‌ای دین قرار نمی‌گیرد، بلکه به‌طور مستقیم با اصل ایمان، توحید، صدق در اعتقاد و ثبات قدم مؤمن در برابر بزرگ‌ترین آزمون‌های الهی پیوند خورده است. از همین رو علمای اهل سنت و جماعت، از نخستین قرون اسلامی تاکنون، همواره مسئله دَجَّال را در کتاب‌های عقیده، حدیث، تفسیر و اشراطالساعة مطرح کرده و آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از ایمان به غیب دانسته‌اند.

اهل سنت و جماعت بر این باورند که ایمان صحیح، تنها به اعتقاد به آنچه انسان می‌بیند محدود نمی‌شود، بلکه شامل باور به اموری است که خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده‌اند؛ هرچند عقل انسان به‌طور مستقل به جزئیات آن‌ها دست نیابد. قرآن کریم در وصف متقین می‌فرماید: **«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»**؛ آنان که به غیب ایمان دارند. فتنه دَجَّال از روشن‌ترین مصادیق این غیب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با تفصیل فراوان از آن خبر داده‌اند و امت را به هوشیاری و آمادگی در برابر آن فراخوانده‌اند.

اهمیت مسئله دَجَّال از آن‌جا آشکارتر می‌شود که در احادیث صحیح، فتنه او بزرگ‌ترین فتنه‌ای معرفی شده است که از زمان آفرینش حضرت آدم علیه السلام تا برپایی قیامت در زمین رخ خواهد داد. در صحیح مسلم از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است که فرمودند: **«ما بین خلق آدم إلی**

قیام الساعة فتنة أعظم من فتنة الدجال؛ از زمان آفرینش آدم تا برپایی قیامت، هیچ فتنه‌ای بزرگ‌تر از فتنهٔ دجال وجود ندارد. این بیان صریح نبوی نشان می‌دهد که شناخت این فتنه، نه از سر کنجکاوی تاریخی، بلکه از باب ضرورت دینی و حفظ ایمان است.

از دلایل دیگر اهمیت این موضوع آن است که همهٔ پیامبران الهی، امت‌های خود را از فتنهٔ دجال بیم داده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«ما من نبی إلا وقد أُنذر أُمته الأعداء»**؛ هیچ پیامبری نبوده مگر آنکه قوم خود را از دروغگوی یک‌چشم برحذر داشته است. این حقیقت نشان می‌دهد که دجال حادثه‌ای مقطعی یا مربوط به یک امت خاص نیست، بلکه فتنه‌ای جهانی و سرنوشت‌ساز است که با اصل هدایت و ضلالت بشر ارتباط مستقیم دارد.

بر اساس منهج اهل سنت، پرداختن به مسئلهٔ دجال باید به دور از افراط و تفریط باشد. افراط در این باب آن است که انسان به داستان‌پردازی، تطبیق‌های بی‌اساس و شایعات دامن بزند و هر پدیدهٔ نوظهور را بی‌دلیل به دجال نسبت دهد. تفریط نیز آن است که اصل این فتنه انکار شود یا صرفاً به عنوان نمادی خیالی یا اسطوره‌ای تفسیر گردد. راه میانه، که همان راه اهل سنت و جماعت است، تمسک به نصوص صحیح و فهم آن‌ها در چارچوب کلام علمای معتبر امت می‌باشد.

علمای بزرگ امت مسلمه از جمله امام نووی، ابن حجر عسقلانی، ابن کثیر، قرطبی، ملا علی قاری و دیگران، همگی در آثار خود به صراحت بر حقیقی بودن دجال و وقوع فتنهٔ او تأکید کرده‌اند. آنان بیان داشته‌اند که روایات مربوط به دجال از جهت کثرت و قوت، به حد تواتر معنوی رسیده و انکار آن‌ها با منهج صحیح اهل سنت سازگار نیست. از همین رو، بسیاری از متون عقیدتی معتبر، ایمان به دجال را در شمار باورهای مربوط به اشراطالساعة ذکر کرده‌اند.

نکته مهم دیگر آن است که فتنه دجال تنها یک حادثه سیاسی یا اجتماعی نیست، بلکه پیش از هر چیز، بحرانی عمیق در عرصه توحید و معرفت الهی است. دجال با ادعاهایی که می‌کند، انسان را در بنیادی‌ترین اصل دین، یعنی شناخت خداوند و یکتاپرستی، به آزمون می‌کشد. کسی که معرفت صحیحی از پروردگار خود نداشته باشد، ممکن است در برابر مظاهر فریبنده قدرت، ثروت و تصرفات خارق‌العاده دجال دچار لغزش شود. از این‌رو پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، شناخت صفات دجال و پناه بردن به خداوند از فتنه او را بخشی از تربیت ایمانی امت قرار داده‌اند.

تأکید پیامبر صلی الله علیه وسلم بر استعاذه از فتنه دجال در نماز

دلیل دیگری بر اهمیت این مسئله است. در احادیث صحیح آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مسلمانان آموختند پس از تشهد آخر بگویند: **«اللهم إني أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنه المحيا والممات، ومن شر فتنه المسيح الدجال»**. این دعا نشان می‌دهد که فتنه دجال هم‌سنگ بزرگ‌ترین خطرات اعتقادی برای انسان مؤمن است و غفلت از آن، غفلتی خطرناک خواهد بود.

بنابراین، پرداختن علمی و مستند به موضوع دجال، نه تنها با عقل و دین تعارضی ندارد، بلکه عین تبعیت از قرآن و سنت است. این بحث، مؤمن را به فروتنی در برابر وحی، تقویت ایمان به غیب، و آمادگی عملی برای مواجهه با فتنه‌ها فرا می‌خواند. کسی که دجال را بر اساس آموزه‌های صحیح اسلامی می‌شناسد، در حقیقت در حال شناخت ضعف‌های نفس انسانی و راه‌های نفوذ شیطان نیز هست.

در پایان این بخش باید تأکید کرد که هدف از طرح مسئله دجال، ایجاد ترس بی‌ثمر یا مشغول ساختن ذهن‌ها به امور آینده نیست، بلکه مقصود اصلی، بیدارسازی دل‌ها، تعمیق ایمان و تربیت انسان‌هایی است که در برابر سخت‌ترین آزمون‌ها، به حق چنگ می‌زنند و از آن جدا نمی‌شوند. چنین نگاهی است که بحث دجال را از سطح روایت‌های پراکنده فراتر می‌برد و آن را به درسی بزرگ برای زندگی ایمانی مسلمان تبدیل می‌کند.

بخش دوم

مفهوم فتنه در قرآن و سنت

فتنه شناسی

واژه «فتنه» از واژه‌هایی است که در قرآن کریم و احادیث نبوی بسیار به کار رفته و از مفاهیم مهم در فهم حوادث تاریخی، اجتماعی و اعتقادی در زندگی انسان به شمار می‌رود. برای درک درست فتنه دجال و جایگاه آن در آموزه‌های اسلامی، نخست باید معنای فتنه و گستره کاربرد آن در قرآن و سنت روشن شود؛ زیرا دجال در حقیقت بزرگ‌ترین نمونه از فتنه‌ای است که ایمان انسان را هدف قرار می‌دهد.

از نظر لغوی، واژه فتنه در زبان عربی به معنای آزمایش و امتحان است. اصل این واژه از فرایندی گرفته شده که در آن طلا یا نقره را در آتش قرار می‌دهند تا ناخالصی آن جدا شود. عرب‌ها به این عمل «فتن الذهب» می‌گفتند؛ یعنی طلا را در آتش قرار داد تا خالص آن از ناخالصی جدا گردد. به همین سبب، فتنه در اصل به معنای آزمونی است که حقیقت انسان را آشکار می‌سازد و سره را از ناسره جدا می‌کند.

قرآن کریم این واژه را در معانی گوناگون به کار برده است، اما همه این معانی در یک حقیقت مشترک‌اند و آن «آزمودن انسان» است. گاه فتنه به معنای آزمایش با سختی‌ها و بلاها آمده است، چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: **«وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»**؛ ما شما را به وسیله بدی‌ها و خوبی‌ها می‌آزماییم. در این آیه، هم نعمت و هم سختی به عنوان وسیله آزمون معرفی

شده است؛ زیرا انسان ممکن است همان‌گونه که در برابر مصیبت دچار لغزش می‌شود، در برابر رفاه و قدرت نیز گرفتار غرور و غفلت گردد.

گاهی نیز فتنه در قرآن به معنای گمراهی و انحراف به کار رفته است. هنگامی که انسان در اثر شبهه، وسوسه یا فشارهای اجتماعی از راه حق منحرف می‌شود، گفته می‌شود که در فتنه افتاده است. در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»؛ یعنی کسانی که مؤمنان را مورد آزار و آزمایش قرار دادند. در این‌جا فتنه به معنای شکنجه، فشار و آزار برای بازداشتن مؤمنان از ایمان است.

در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز واژه فتنه کاربردهای گسترده‌ای دارد. در احادیث نبوی، فتنه گاهی به اختلافات و آشوب‌های اجتماعی اطلاق می‌شود و گاهی به آزمایش‌هایی که ایمان انسان را تهدید می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در موارد بسیاری امت را از فتنه‌های آینده آگاه ساخته و مسلمانان را به هوشیاری و پناه بردن به خداوند از آن‌ها فراخوانده‌اند.

علمای اسلام با بررسی آیات و احادیث، فتنه‌ها را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها آن است که فتنه‌ها را به دو نوع بزرگ تقسیم می‌کند: فتنه شبهه و فتنه شهوت. فتنه شبهه زمانی رخ می‌دهد که انسان در اثر جهل یا تبلیغات گمراه‌کننده، دچار تردید در حقیقت دین شود. در این حالت، حق و باطل در نظر او در هم می‌آمیزد و قدرت تشخیص خود را از دست می‌دهد. در مقابل، فتنه شهوت زمانی است که انسان حقیقت را می‌داند اما به سبب تمایل نفس، حب مال، شهرت یا لذت‌های دنیا از آن روی می‌گرداند.

بسیاری از علما بیان کرده‌اند که بزرگ‌ترین فتنه‌ها آن‌هایی هستند که هر دو نوع فتنه را در خود جمع می‌کنند؛ یعنی هم عقل انسان را با شبهه‌ها دچار تردید می‌سازند و هم دل او را با وعده‌های دنیوی می‌فریبند. فتنه دجال دقیقاً از همین نوع است. در روایات آمده است که دجال با نمایش قدرت‌ها و امکاناتی که خداوند به عنوان امتحان در اختیار او قرار می‌دهد، مردم را به سوی خود دعوت می‌کند. برخی به سبب شبهه‌ها و تبلیغات او فریب می‌خورند و برخی دیگر به خاطر طمع در نعمت‌ها و ترس از محرومیت از او پیروی می‌کنند.

از نگاه قرآن و سنت، فتنه‌ها همواره بخشی از سنت الهی در جهان بوده‌اند. خداوند متعال بندگان خود را در شرایط گوناگون می‌آزماید تا ایمان واقعی از ایمان ظاهری جدا شود. تاریخ پیامبران الهی نشان می‌دهد که هر امتی با نوعی از فتنه مواجه بوده است. قوم نوح علیه السلام با فتنه تکذیب و سرکشی روبه‌رو شدند، بنی‌اسرائیل با فتنه گوساله سامری آزمایش شدند، و بسیاری از امت‌ها در اثر پیروی از شهوات یا تحریف حقایق دچار گمراهی شدند.

از این رو شناخت فتنه‌ها برای مؤمنان ضروری است؛ زیرا کسی که ماهیت فتنه را شناسد، ممکن است در برابر آن غافلگیر شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم امت خود را به شناخت فتنه‌ها فرا می‌خواندند تا مسلمانان بتوانند در زمان وقوع آن‌ها حق را از باطل تشخیص دهند. در یکی از احادیث مشهور آمده است که آن حضرت فرمودند: **«بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ»**؛ پیش از آنکه فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تاریک فرا رسد، در انجام اعمال صالح شتاب کنید.

با توجه به این حقیقت، می‌توان دریافت که فتنه دجال در ادامه همان سنت الهی آزمون بندگان است، اما با این تفاوت که گستره و شدت آن از همه فتنه‌های پیشین بزرگ‌تر خواهد بود. این فتنه نه تنها یک منطقه یا قوم خاص را

در بر نمی‌گیرد، بلکه بخش بزرگی از جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و بسیاری از مردم را با آزمایشی سخت روبه‌رو خواهد ساخت.

بنابراین، فهم مفهوم فتنه در قرآن و سنت، مقدمه‌ای ضروری برای درک درست مسئله دجال است. کسی که بداند فتنه‌ها چگونه شکل می‌گیرند و چگونه ایمان انسان را تهدید می‌کنند، بهتر می‌تواند خطر فتنه دجال را درک کند و خود را برای مقابله با آن آماده سازد. چنین شناختی در حقیقت بخشی از بصیرت دینی است که قرآن کریم و سنت نبوی همواره مسلمانان را به آن فراخوانده‌اند.

بخش سوم

ریشه‌شناسی و معنای لغوی و اصطلاحی «دَجَّال»

ریشه‌شناسی و معنای لغوی و اصطلاحی «دَجَّال»

برای ورود به مباحث تفصیلی پیرامون این فتنه بزرگ، نخست باید نام و عنوانی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای این موجود برگزیده‌اند، از منظر لغوی و اصطلاحی واکاوی کنیم. نام‌گذاری‌ها در نصوص شرعی هرگز تصادفی نیستند، بلکه هر نامی بازتاب‌دهنده بخشی از ماهیت، عملکرد و ویژگی‌های صاحب آن نام است. واژه «دَجَّال» در زبان عربی و فرهنگ اسلامی، حامل معنایی عمیق از فریب و تزویر است که شناخت آن، پرده از ماهیت این فتنه برمی‌دارد.

۱. معنای لغوی «دَجَّال»

واژه «دَجَّال» از ریشه «دَجَلَ» مشتق شده است. اهل لغت برای این ریشه معانی متعددی ذکر کرده‌اند که تمامی آن‌ها در یک نقطه مشترک هستند: «پوشاندن حقیقت».

زبان‌شناسان بزرگ عرب مانند ابن‌منظور در لسان العرب و فیروزآبادی در (القاموس المحيط) بیان داشته‌اند که «دَجَلَ» در اصل به معنای «طِلاء» (مالیدن و پوشاندن) است. در میان اعراب بادیه، هنگامی که شتری دچار بیماری جرب می‌شد، بدن او را با قیر یا قطران می‌پوشاندند تا بیماری‌اش پنهان شود یا درمان گردد؛ به این عمل «دَجَلَ البعیر» می‌گفتند. همچنین این واژه

در مورد زراندود کردن اشیاء نیز به کار می‌رفت؛ یعنی زمانی که فلز بی‌ارزشی مانند مس یا آهن را با لایه‌ای از طلا می‌پوشاندند تا گران‌بها به نظر برسد، می‌گفتند «دَجَلَ السیف».

بنابراین، «دَجَّال» بر وزن «فَعَّال» صیغه مبالغه است؛ یعنی کسی که بسیار می‌پوشاند و بسیار فریب می‌دهد. او باطل را در لباسی از حق به مردم عرضه می‌کند و زشتی‌های خود را زیر پوششی از توانمندی‌های ظاهری پنهان می‌سازد. او دَجَّال نامیده شده چون حقیقت کفر خود را با دروغ و فریب می‌پوشاند و با کارهای خارق‌العاده، واقعیت را بر مردم مشتبه می‌کند.

۲. معنای اصطلاحی در شریعت

در اصطلاح نصوص دینی و کلام علمای اهل سنت، «دَجَّال» به شخص معینی اطلاق می‌شود که در آخرالزمان و پیش از قیام قیامت ظهور خواهد کرد. او مدعی الوهیت و پروردگاری است و خداوند متعال به عنوان آزمایشی برای بندگان، قدرت‌های عجیبی را به دست او جاری می‌سازد. در احادیث، برای بازشناختن او از دیگر دروغ‌گویان، غالباً با عنوان «المسیح الدجَّال» از او یاد شده است.

۳. پیوند میان مسیح و دَجَّال (تضاد دو مسیح)

یکی از پرسش‌های مهم این است که چرا این موجود، «مسیح» نامیده شده است؟ علمای اهل سنت بر این باورند که در تاریخ بشر، دو «مسیح» وجود دارد: «مسیح هدایت» که عیسی بن مریم علیهما السلام است و «مسیح ضلالت» که همان دَجَّال است.

در وجه تسمیه دَجّال به مسیح، چند دیدگاه وجود دارد - برخی می‌گویند چون یک چشم او «ممسوح» (محو و نابینا) است، به او مسیح گفته می‌شود. برخی دیگر معتقدند مسیح به معنای کسی است که زمین را می‌پیماید؛ و دَجّال مسیح نامیده شده چون در مدت زمان کوتاهی، تمام زمین را طی می‌کند و نقطه‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه قدم در آن می‌گذارد (به جز مکه و مدینه). تضاد میان این دو مسیح، تضاد میان حق و باطل است. مسیح بن مریم با مسح خود بیماران را شفا می‌داد و به اذن خدا مرده را زنده می‌کرد تا مردم را به سوی توحید بخواند؛ اما مسیح دَجّال با فریب‌های خود، مردم را به سوی کفر و شرک می‌کشاند.

۴. القاب دیگر دَجّال در سنت

در احادیث صحیح، علاوه بر دَجّال، القاب دیگری نیز برای او ذکر شده است که هر یک بر بُعدی از شخصیت او دلالت دارد

-الأعور الکذاب (دروغ‌گوی یک‌چشم) این لقب بر نقص خلقت و کذب ادعای او اشاره دارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم با تأکید بر «یک‌چشم» بودن او، بزرگ‌ترین برهان بر بطلان ادعای الوهیتش را بیان کردند؛ چرا که خداوند منزّه از هرگونه نقص و عیب است.

-المسیح الدّجال برای تمایز قطعی میان او و حضرت عیسی علیه السلام.

در فقه و کلام حنفی، تأکید بر این معانی لغوی و اصطلاحی از آن جهت اهمیت دارد که مانع از تأویل‌های باطل می‌شود. برخی جریان‌های منحرف در طول تاریخ تلاش کرده‌اند دّجال را صرفاً به معنای «یک جریان فکری» یا «یک تمدن خاص» تأویل کنند؛ اما علمای اهل سنت با استناد به همین معانی دقیق لغوی و احادیث صریح، معتقدند دّجال یک «شخص حقیقی» است که اوصاف او به طور دقیق توسط صادق مصدوق، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، بیان شده است.

نتیجه آنکه واژه «دّجال» به تنهایی شناسنامه این فتنه است؛ آمیزه‌ای از دروغ، پوشاندن حقایق، تصرفات جادویی و فریب توده‌ها. شناخت این معنا به نویسندگان و خواننده کمک می‌کند تا درک کند که سلاح اصلی دّجال، نه فقط قدرت مادی، بلکه «**وارونه جلوه دادن واقعیت**» است؛ همان‌گونه که فلز بی‌ارزش را زراندود می‌کنند تا چشم‌ها را خیره سازد.

بخش چهارم

ویژگی‌های جسمانی دجال در احادیث صحیح

شناخت ویژگی‌های جسمانی دجال

از مهم‌ترین مباحث مربوط به این فتنه بزرگ است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به تفصیل، اوصاف ظاهری او را بیان کرده‌اند تا امت بتواند این دروغ‌گو را از دیگر افراد تشخیص دهد و فریب نشانه‌های ظاهری قدرت و شگفتی را نخورد. روش اهل سنت و جماعت آن است که در این‌گونه مسائل غیبی، به ظاهر نصوص صحیح ملتزم باشند و در محدوده‌ای که وحی ترسیم کرده، توقف کنند؛ بدون افزودن و کاستن از پیش خود.

در این بخش، مهم‌ترین اوصاف جسمانی دجال را بر اساس احادیث صحیح و با ذکر محل سند (به صورت اجمالی) و بیان شرح عالمان اهل سنت مرور می‌کنیم.

۱. یک چشم بودن دجال

مشهورترین و برجسته‌ترین ویژگی ظاهری دجال، «اعور» بودن اوست؛ یعنی یک چشم او نابینا و دارای عیبی آشکار است. این وصف در احادیث متعددی با تعبیرات نزدیک به هم آمده و همین تکرار، دلالت بر اهمیت ویژه این نشانه دارد. در صحیح بخاری و صحیح مسلم، از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

« إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرَ الْعَيْنِ الْيُمْنَى، كَأَنَّ عَيْنَهُ عَنَبَةٌ طَافِيَةٌ. »

مسیح دجال از چشم راست [یا چپ در برخی طرق] اعور است؛ گویا چشم او همچون دانه انگوری است که برآمده و فاسد شده باشد.

در روایتی دیگر آمده است:

« أَعْوَرَ الْعَيْنِ الْيُسْرَى، جُفَا الشَّعْرِ، مَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ... » (مسلم)

جمع میان این روایات چنین است که اصل «اعور بودن» قطعی است و اینکه کدام چشم او نابینا و معیوب است، در برخی طرق اختلاف نقل شده، اما جمهور محدثان – همچون امام نووی و حافظ ابن حجر – بر این هستند که اعور بودن او یقینی است و این علامت آشکار، با هر دو نقل، دلالت بر نقص و عیب جدی در صورت او دارد.

علما تصریح کرده‌اند که تأکید پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اعور بودن دجال، پاسخ روشنی به ادعای الوهیت اوست؛ زیرا خداوند متعال منزّه از هر نقص است، و خدایی که حتی در یک عضو جسمانی ناقص باشد، دروغین و باطل است. این معنا در حدیثی که در صحیح بخاری و مسلم آمده، به‌صراحت بیان شده است:

« إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرَ الْعَيْنِ الْيُمْنَى... »

> خداوند اعور نیست؛ آگاه باشید که مسیح دجال اعور چشم راست است.

اینجا پیامبر صلی الله علیه وسلم میان «کمال مطلق خداوند» و «نقص آشکار دجال» مقابله برقرار کرده تا مؤمنان معرفت توحیدی خود را در متن این فتنه حفظ کنند.

۲. نوشته شدن «کافر» بر پیشانی دجال

از نشانه‌های مهمی که در احادیث صحیح آمده، نوشته شدن واژه «کافر» بر پیشانی دجال است. در صحیح بخاری و مسلم از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

« مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ، يَقْرُؤُهُ كُلُّ مُسْلِمٍ، كَاتِبٌ وَغَيْرُ كَاتِبٍ. »

میان دو چشم او (بر پیشانی‌اش) «کافر» نوشته شده است؛ هر مسلمان باسواد و بی‌سواد آن را می‌خواند.

در برخی روایات، این واژه به صورت «ك ف ر» (حروف جداگانه) ذکر شده است. علما در شرح این حدیث نکات مهمی بیان کرده‌اند .

1 حقیقی بودن نوشتار بسیاری از مفسرین و شارحان حدیث – مانند امام نووی، ابن حجر، قرطبی و ملا علی قاری – تصریح کرده‌اند که این نوشتار «حقیقی» است، نه صرفاً معنوی یا رمزی؛ یعنی واقعاً بر پیشانی او نوشته می‌شود.

2 چگونگی خواندن توسط بی‌سوادان اینکه هر مسلمان، حتی بی‌سواد، آن را می‌خواند، به این معناست که خداوند نوعی «**فراست ایمانی**» به اهل ایمان

می‌بخشد؛ یا اینکه مقصود، درک معنای کفر اوست، نه الزاماً خواندن حروف طبق عادت متعارف. ابن حجر جمع کرده است که ظاهر لفظ، دلالت بر وجود نوشتار دارد و در عین حال، خداوند به هر مؤمن بصیرت می‌دهد که باطن او را نیز بشناسد.

این علامت، نشان می‌دهد که هرچند دَجَّال در ظاهر ادعاهایی بزرگ می‌کند، حقیقت او «کفر آشکار» است و خداوند، حجت را بر بندگان تمام می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برای اهل ایمان، چهره واقعی او مخفی نماند.

۲. رنگ چهره، قامت و هیکل دَجَّال

در روایات، اوصاف کلی اندام و قیافه دَجَّال نیز ذکر شده است. در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خواب، شخصی را دیدند و فرمودند:

«رَأَيْتُ لَيْلَةً أُسْرِيَ بِي رَجُلًا آدَمَ، كَأَحْسَنِ مَا يُرَى مِنْ أَدَمِ الرِّجَالِ، يَضْرِبُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ...» و در ادامه فرمودند:

«وَرَأَيْتُ الْمَسِيحَ الدَّجَّالَ، رَجُلًا جَسِيمًا، أَحْمَرَ، جَعَدَ الرَّأْسِ، أَعْوَرَ الْعَيْنِ، كَأَنَّ عَيْنَهُ عَيْنَةُ طَافِيَةٍ.»^{۱۸}

خلاصه اوصاف ظاهری او در این روایات چنین است:

جَسِيم: یعنی هیکل درشت و تنومند دارد.

أَحْمَر: رنگ چهره‌اش متمایل به سرخی یا سفید مایل به سرخی است.

جَعَدَ الرَّأْسِ: موی سرش مجعد و پیچ‌خورده است، نه صاف و آویزان.

اعور: همان یک‌چشم بودن که پیش‌تر گفتیم.

برخی از محدثان نیز اشاره کرده‌اند که دَجَّال «قصیر» (نسبتاً کوتاه قامت) است و پاهایش فاصله‌دار و «افحج» می‌باشد؛ یعنی هنگام راه رفتن، نوعی ناهماهنگی و زشتی در قدم برداشتن او دیده می‌شود. هرچند این اوصاف در درجه بعد از اوصاف قطعی و مشهور قرار دارند، اما مجموع آنها چهره‌ای ناخوشایند و ناقص از او ترسیم می‌کند.

نکته‌ای که شارحان بر آن تأکید کرده‌اند این است که:

خداوند با قرار دادن این عیوب ظاهری در دَجَّال، نشان می‌دهد که هرچند او با فتنه‌های بزرگ و تصرفات شگفت در عالم مواجه می‌شود، در سیمای ظاهری خود حامل نقص و زشتی است؛ تا اهل بصیرت بفهمند که جمال حقیقی، از آن ایمان و توحید است نه از آن توانایی‌های ظاهری و موقت.

۴. شباهت نسبی دَجَّال به بعضی افراد

در برخی روایات، برای تقریب ذهن صحابه، پیامبر صلی الله علیه وسلم اوصاف دَجَّال را به چهره بعضی مردان قریش تشبیه کرده‌اند؛ مثلاً در صحیح بخاری آمده است که فرمودند:

« إِنَّهُ رَجُلٌ حَسِيمٌ، جَعْدٌ، قَطَطٌ، أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَجُلٍ مِنْ خُزَاعَةَ يُقَالُ لَهُ: ابْنُ قَطَنِ. »

مقصود از این تشبیه، تشخیص دقیق چهره برای آن نسل بوده است، نه اینکه دَجَّال همان فرد باشد. در منهج اهل سنت، این‌گونه تشبیهات برای «تقریب تصویر» به ذهن شنونده است.

۵. دَجّال انسان است، نه موجود خیالی

مجموع اوصاف جسمانی که در احادیث آمده - از رنگ چهره، نوع مو، هیکل، عیوب چشم و پیشانی - همگی به روشنی دلالت می‌کنند که دَجّال یک «انسان حقیقی» است؛ با بدن، چشم، پیشانی، حرکت در زمین و تعامل با مردم. علمای اهل سنت، از جمله متکلمان و شارحان حدیث، این حقیقت را صریحاً بیان کرده‌اند و تأویل‌هایی را که دَجّال را صرفاً «نماد تمدن» یا «روح جمعی شر» می‌دانند، مردود شمرده‌اند؛ زیرا این تأویلات با ظاهر نصوص صحیح و با فهم امت سازگاری ندارد.

امام طحاوی حنفی - رحمه الله - در عقیده معروف خود، ضمن برشمردن باورهای مربوط به آخرت و اشراط الساعه، به حقیقت داشتن خروج دَجّال تصریح می‌کند، و شارحان حنفی مانند ابن ابی‌العز و ملا علی قاری، بر همین مبنا توضیح می‌دهند که اوصاف جسمانی دَجّال، همگی بر انسان بودن او دلالت می‌کند. در فقه و کلام حنفی، فاصله گرفتن از تأویل‌های فلسفی و پایبندی به نقل صحیح، یک اصل مهم در باب امور غیبی است.

۶. حکمت بیان جزئیات جسمانی دَجّال

سؤال مهم در پایان این بخش آن است که: چه ضرورتی داشت که پیامبر صلی الله علیه وسلم این همه جزئیات را از ظاهر دَجّال برای امت بیان کنند؟

علمای اسلام چند حکمت را ذکر کرده‌اند

1. حجت بر اهل ایمان تمام شود: وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشاپیش اوصاف دقیق او را بیان کرده، کسی که بعدها با وجود این نشانه‌های صریح، فریبش را بخورد، در حقیقت خود را از رحمت هدایت محروم کرده است.

2. ابطال ادعای الوهیت: ناقص بودن در خلقت، با ادعای ربوبیت ناسازگار است. پیامبر صلی الله علیه وسلم بارها فرمودند: «**اعلموا أن الله ليس بأعور**» تا این استدلال توحیدی در ذهن امت تثبیت شود.

3. تقویت ایمان به غیب: مؤمن، پیش از دیدن، به خبر پیامبر ایمان می‌آورد. وقتی بعدها حوادث مطابق اخبار او واقع شود، یقین مؤمن چند برابر می‌گردد.

4. آمادگی روانی و بصری: انسان هنگامی که تصویری از خطر در ذهن دارد، در مواجهه با آن، کمتر غافلگیر می‌شود. اوصاف دجال، نوعی «پیش‌آموزش ایمانی» برای امت است.

بخش پنجم

ویژگی‌های اخلاقی و روانی دجال و روش‌های فریب او

روش های فریب دجال

شناخت دجال تنها با دانستن اوصاف جسمانی او کامل نمی‌شود؛ زیرا خطر اصلی دجال در چشم معیوب، چهره سرخ، موی مجعد یا قامت او خلاصه نمی‌گردد، بلکه حقیقت فتنه او در شخصیت درونی، روش دعوت، شیوه اقناع و قدرت او در فریب دل‌ها و ذهن‌ها نهفته است. از همین‌رو، نصوص نبوی تنها به توصیف ظاهر دجال اکتفا نکرده‌اند، بلکه با تعبیری بسیار روشن، خلق‌و‌خو، ادعا، دروغ‌پردازی و شیوه اثرگذاری او بر مردم را نیز بیان کرده‌اند.

فتنه‌ها معمولاً از دو راه به سراغ انسان می‌آیند.

تحریف شناخت

و تحریک خواسته‌ها.

یعنی یا انسان را در فهم حقیقت گمراه می‌کنند، یا در برابر امیال و منافع دنیوی او را به زانو درمی‌آورند. فتنه دجال، از آن‌جا که بزرگ‌ترین فتنه تاریخ بشر است، هر دو سلاح را با شدیدترین صورت خود به کار می‌گیرد. او هم ذهن را می‌فریبد و هم نفس را می‌خرد.

۱. دجال، دروغ‌گوی بزرگ

یکی از برجسته‌ترین اوصاف دجال در احادیث صحیح، **کذب** اوست. پیامبر صلی الله علیه وسلم او را «**الأعور الکذاب**» معرفی کرده‌اند؛ یعنی یک‌چشم بسیار دروغ‌گو. این تعبیر، تنها یک صفت اخلاقی عادی نیست، بلکه هویت اصلی او را

نشان می‌دهد. دَجّال بر پایه دروغ می‌ایستد، با دروغ دعوت می‌کند، با دروغ اعتماد می‌سازد، و با دروغ عده‌ای را به پیروی خود می‌کشاند.

بزرگ‌ترین دروغ او، ادعای الوهیت و ربوبیت است. او انسانی ناقص، حادث، محتاج و گرفتار عیب است، اما در برابر مردم ادعایی می‌کند که تنها سزاوار خداوند متعال است. همین ادعا، اوج وقاحت و نهایت انحراف او را نشان می‌دهد. در حقیقت، دَجّال نه فقط یک فریب‌کار سیاسی یا اجتماعی، بلکه بزرگ‌ترین مدعی باطل در برابر توحید است.

علمای اهل سنت گفته‌اند که دروغ دَجّال از جنس دروغ‌های عادی نیست. دروغ‌های معمولی غالباً در یک مسئله جزئی رخ می‌دهند، اما دَجّال می‌کوشد کل نظام ادراک انسان را وارونه کند؛ یعنی باطل را حق نشان دهد، مخلوق را خالق جلوه دهد، عجز را قدرت مطلق بنمایاند، و امتحان الهی را دلیل بر استحقاق پرستش خود معرفی کند. از این‌رو دروغ او، «دجل» است؛ یعنی پوشاندن حقیقت با ظاهر فریبنده.

۲. غرور، تکبر و ادعای ربوبیت

از اوصاف اخلاقی و درونی دَجّال، تکبر و خودبزرگ‌بینی مطلق است. کسی که ادعای خدایی می‌کند، در حقیقت به نهایت طغیان رسیده است. قرآن کریم درباره فرعون نقل می‌کند که گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»؛ و دَجّال نیز در امت

محمد صلی الله علیه وسلم همان خط کفرآلود را با شدتی بیشتر ادامه می‌دهد.

دجال مظهر انسانی است که در اثر غرور، نه تنها بندگی خدا را ترک می‌کند، بلکه می‌خواهد دیگران را نیز به بندگی خود بکشانند. این روحیه، ریشه در بیماری دیرینه شیطانی دارد؛ همان بیماری‌ای که ابلیس را به استکبار و مخالفت با فرمان الهی کشاند. از این جهت، دجال را می‌توان تجسم نهایی طغیان انسان علیه پروردگار دانست.

در نگاه تربیتی، این نکته بسیار مهم است: هر فتنه بزرگ، پیش از آنکه در بیرون شکل بگیرد، در درون با تکبر آغاز می‌شود. دجال به عنوان بزرگ‌ترین فتنه، بزرگ‌ترین متکبر نیز هست. او نه حقیقت را می‌پذیرد و نه حد بنده بودن خود را می‌شناسد. همین خصوصیت، او را به دروغ‌گویی، فریب‌کاری و استعباد مردم می‌کشد.

۲. بهره‌گیری از نیازها و ترس‌های مردم

دجال تنها با سخنرانی و ادعا مردم را فریب نمی‌دهد، بلکه از نیازها، ترس‌ها و تمایلات آنان نیز بهره می‌برد. در احادیث آمده است که او با خود چیزی شبیه به بهشت و جهنم دارد، باران را سبب می‌شود، زمین را به رویش فرا می‌خواند، و برای کسانی که از او پیروی کنند، رفاه و امکاناتی به نمایش می‌گذارد. این امور، خود نشان می‌دهد که او روان انسان را خوب هدف می‌گیرد.

بسیاری از مردم به سبب محبت شدید به دنیا، ترس از فقر، و رغبت به امنیت و رفاه، آمادگی آن را دارند که در برابر هر قدرتی سر فرود آورند؛ حتی اگر آن قدرت بر باطل باشد. دجال دقیقاً از همین نقطه وارد می‌شود. او می‌فهمد که

همه انسان‌ها اهل استدلال عمیق نیستند؛ بسیاری با شکم، ترس، منفعت، و ظاهر امور تصمیم می‌گیرند. پس در کنار شبهه، از فشار معیشتی و تطمیع دنیوی نیز استفاده می‌کند.

این روش دجال، درس بزرگی برای امت است. فتنه‌ها همیشه تنها از راه نظریه‌های باطل وارد نمی‌شوند؛ گاهی از راه نان، آب، امنیت، ترس، تبلیغات، و وعده‌های رفاهی وارد می‌شوند. کسی که ایمانش ریشه‌دار نباشد، ممکن است حقیقت را بشناسد اما در برابر منافع دنیوی، تسلیم شود.

۴. مهارت در مشتبه ساختن حق و باطل

از ویژگی‌های روانی و عملی دجال آن است که او قدرت بالایی در مشتبه ساختن امور دارد. در احادیث آمده است که با خود «جنة و نار» دارد؛ اما آنچه مردم آن را بهشت می‌پندارند، در حقیقت عذاب است، و آنچه جهنم می‌نماید، در واقع نجات است. این وارونگی، فقط یک حادثه بیرونی نیست، بلکه بیان‌گر شیوه اصلی دجال است: تغییر معیارهای تشخیص.

دجال می‌کوشد ذهن انسان را از درون تسخیر کند تا آنچه زشت است زیبا دیده شود و آنچه باطل است حق جلوه کند. این همان خطری است که قرآن درباره منافقان، کافران و اهل باطل در طول تاریخ گوشزد کرده است؛ اما در دجال، این وارونگی به اوج خود می‌رسد.

علمای اسلام گفته‌اند که فتنه دجال از این جهت خطرناک است که بسیاری از مردم در آن زمان، به جای سنجش با معیار وحی، با معیار حسّ ظاهری و منفعت فوری قضاوت می‌کنند. هرگاه معیار انسان از قرآن و سنت به تجربه سطحی و منفعت زودگذر منتقل شود، راه برای فریب دجال باز می‌شود.

۵. سرعت نفوذ و قدرت اثرگذاری اجتماعی

یکی دیگر از خصوصیات دجال، توان بالای او در جذب سریع مردم است. در روایات آمده که گروه‌های زیادی از مردم، به‌ویژه از میان یهود اصفهان و نیز افراد ضعیف‌الایمان، از او پیروی می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که دجال تنها یک فرد مدعی نیست، بلکه دارای قدرت اجتماعی، هیبت روانی و جاذبه فتنه‌انگیز است.

او با بهره‌گیری از اضطراب زمانه، ضعف علمی مردم، دنیاطلبی و شگفتی‌آفرینی، توده‌هایی را به سوی خود می‌کشاند. بسیاری از مردم وقتی می‌بینند عده زیادی به سوی یک شخص می‌روند، خود نیز دنباله‌رو می‌شوند. این خاصیت توده‌ها در همه فتنه‌ها وجود دارد، اما در فتنه دجال بسیار آشکارتر است. از همین‌رو در احادیث، دستور داده شده که انسان از او دوری کند؛ زیرا حتی کسی که گمان می‌کند ایمانش استوار است، ممکن است در اثر دیدن شگفتی‌های او گرفتار شبهه شود.

۶. تأثیرگذاری بر افراد ساده‌دل و ضعیف‌العلم

از احادیث چنین فهمیده می‌شود که بیشترین آسیب‌دیدگان از فتنه دجال، کسانی‌اند که یا در علم دینی ضعیف‌اند، یا در ایمان ریشه‌دار نیستند، یا دل‌بستگی شدیدی به دنیا دارند. فتنه دجال، بیش از آنکه فقط مسئله قدرت بیرونی باشد، آزمونی برای عمق بصیرت است.

هرچه معرفت انسان به اسماء و صفات الهی، توحید، آخرت، و حقیقت دنیا بیشتر باشد، قدرت فریب‌پذیری او کمتر می‌شود. اما اگر شناخت دینی سطحی باشد، انسان ممکن است با دیدن امر خارق‌العاده، حقیقت را فراموش کند. از همین‌جا روشن می‌شود که تعلیم عقیده صحیح، فقط یک بحث نظری نیست، بلکه سپری واقعی در برابر بزرگ‌ترین فتنه تاریخ است.

۷. دجال و روان‌شناسی استعباد

دجال در پی آن نیست که فقط چند عقیده نادرست را رواج دهد؛ او می‌خواهد انسان‌ها را به بندگی خود بکشاند. روش او، روان‌شناسی استعباد است

نخست شگفتی ایجاد می‌کند؛

سپس ترس می‌آفریند؛

بعد منفعت پیشنهاد می‌دهد؛

و در نهایت، اطاعت می‌طلبد.

این سیر، در بسیاری از طاغوت‌های تاریخ نیز دیده شده است، اما در دجال به کامل‌ترین و شدیدترین شکل خود ظهور می‌کند. بنابراین، فتنه دجال فقط یک حادثه آخرالزمانی نیست، بلکه آینه‌ای است که ماهیت همه طاغوت‌ها را نیز نشان می‌دهد. هر قدرتی که بخواهد با ترس، طمع، فریب و شبهه، انسان را از بندگی خدا به بندگی خود منتقل کند، نشانی از نشانه‌های دجالی در خود دارد؛ هرچند خود دجال حقیقی و نهایی، همان شخص معین آخرالزمان است.

۸. چرا روش‌های دجال مؤثر می‌شود؟

پرسش مهم این است که چرا با وجود این همه نشانه و هشدار، باز هم عده زیادی فریب دجال را می‌خورند؟ پاسخ را باید در ضعف‌های درونی انسان جست‌وجو کرد. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

ضعف در توحید و معرفت خداوند

غلبه دنیاطلبی و ترس از محرومیت

کم‌مایگی در علم دینی

انس با ظواهر و بی‌توجهی به حقایق

دنباله‌روی از جمع و جوّ عمومی

عادت به گناه و ضعف در اخلاص

کسی که پیش از آمدن دجال، نفس خود را بر اساس قرآن و سنت تربیت نکرده باشد، در هنگام آن فتنه عظیم نیز غالباً قدرت ایستادگی نخواهد داشت. به همین دلیل، احادیث مربوط به دجال در حقیقت دعوت به اصلاح امروز هستند، نه صرفاً هشدار درباره فردا.

جمع‌بندی بخش

در این بخش روشن شد که دجال از نظر اخلاقی و روانی، مجموعه‌ای از صفات شیطانی را در خود جمع کرده است: دروغ‌گویی، تکبر، فریب‌کاری، سوءاستفاده از نیازهای مردم، وارونه نشان دادن حقیقت، ایجاد ترس و تطمیع، و طلب بندگی از انسان‌ها. او از همین ابزارها برای شکار دل‌ها و ذهن‌ها بهره می‌برد و بزرگ‌ترین بحران در عقیده و هویت ایمانی بشر را رقم می‌زند.

از اینجا نتیجه می‌گیریم که مبارزه با فتنه دجال، تنها با شناخت شکل ظاهری او ممکن نیست؛ بلکه نیازمند سلامت توحید، استواری علم، زهد در دنیا، بصیرت در تشخیص حق و باطل، و پناه بردن مداوم به خداوند است.

بخش هشتم

قدرت‌ها و تصرفات دجال در احادیث صحیح

قدرت‌ها و تصرفات دجال در احادیث صحیح

یکی از مهم‌ترین عواملی که فتنه دجال را به بزرگ‌ترین آزمون تاریخ بشر تبدیل می‌کند، قدرت‌ها و تصرفاتی است که در زمان ظهور او رخ می‌دهد. این امور چنان شگفت و خارق‌العاده‌اند که بسیاری از انسان‌ها، به‌ویژه کسانی که در علم و ایمان استوار نیستند، گمان می‌کنند این قدرت‌ها نشانه ربوبیت اوست. در حالی که در منهج اسلامی، این امور نه دلیل بر الوهیت، بلکه امتحان الهی برای بندگان به شمار می‌آید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم با دقت فراوان این توانایی‌ها را برای امت بیان کرده‌اند تا مسلمانان بدانند که هر امر خارق‌العاده‌ای نشانه حقانیت نیست. ممکن است خداوند برای آزمایش بندگان، اجازه وقوع امور شگفت را در دست فردی دروغ‌گو نیز قرار دهد. بنابراین معیار حق و باطل، نه شگفتی و قدرت ظاهری، بلکه وحی الهی و عقیده توحیدی است.

۱. همراه داشتن چیزی شبیه به بهشت و جهنم

در صحیح مسلم از حذیفه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ، فَتَارُهُ جَنَّةٌ، وَجَنَّتُهُ نَارٌ.»

یعنی دجال چیزی همراه خود دارد که مردم آن را بهشت و جهنم می‌پندارند، اما حقیقت برعکس است؛ آنچه مردم جهنم می‌دانند در واقع نجات است، و آنچه بهشت می‌نماید در حقیقت عذاب است.

علما در شرح این حدیث گفته‌اند که این وارونگی نشان‌دهنده یکی از خطرناک‌ترین ویژگی‌های فتنه دجال است: تغییر معیار تشخیص .

انسان‌ها به طور طبیعی از آتش می‌گریزند و به سوی نعمت می‌روند. دجال از همین طبیعت انسانی استفاده می‌کند تا مردم را به سوی خود بکشانند. اما مؤمنی که به سخن پیامبر ایمان دارد، می‌داند که ظاهر امور در آن زمان قابل اعتماد نیست.

امام نووی در شرح صحیح مسلم بیان می‌کند که مقصود حدیث آن است که دجال چیزهایی شبیه نعمت و عذاب به نمایش می‌گذارد، اما حقیقت آنها با آنچه مردم می‌پندارند متفاوت است، و خداوند برای امتحان بندگان چنین فتنه‌ای را مقدر کرده است.

۲. فرمان دادن به آسمان برای باریدن باران

از دیگر قدرت‌هایی که در احادیث صحیح ذکر شده، توانایی دجال در ارتباط با پدیده‌های طبیعی است. در صحیح مسلم آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند دجال به قومی می‌گوید که به او ایمان آورند؛ اگر ایمان بیاورند، به آسمان فرمان می‌دهد که باران ببارد و زمین نیز گیاهان خود را بیرون می‌آورد.

این امر سبب می‌شود که مردم آن منطقه در رفاه، نعمت و فراوانی زندگی کنند. دام‌های آنان فربه می‌شوند، زمین‌هایشان حاصل‌خیز می‌گردد و زندگی‌شان رونق می‌یابد. در مقابل، اگر قومی دعوت او را رد کنند، آسمان از باریدن بازمی‌ایستد و زمین خشک می‌شود.

در چنین شرایطی، بسیاری از انسان‌ها به سبب فشار اقتصادی و ترس از فقر، ممکن است ایمان خود را از دست بدهند. این دقیقاً همان جایی است که ایمان حقیقی آشکار می‌شود؛ زیرا مؤمن می‌داند که رزق تنها در دست خداوند است و هیچ موجودی اگر ظاهراً سبب نزول باران شود—مالک واقعی روزی نیست.

۳. فرمان دادن به زمین برای بیرون آوردن گنج‌ها

در برخی روایات آمده است که دجال به زمین فرمان می‌دهد و گنج‌های پنهان از آن بیرون می‌آید؛ گویی زنبورهایی هستند که پشت سر ملکه خود حرکت می‌کنند. این تصویر که در احادیث آمده، نشان‌دهنده سرعت و فراوانی این گنج‌هاست.

وقتی مردم می‌بینند ثروت‌های عظیم در اختیار دجال قرار گرفته، بسیاری از آنان گمان می‌کنند که او دارای قدرتی الهی است. اما در حقیقت، این امور یا به اذن الهی برای امتحان بندگان رخ می‌دهد، یا از جمله فریب‌هایی است که خداوند اجازه داده تا فتنه کامل شود.

علمای اهل سنت تأکید کرده‌اند که خداوند در طول تاریخ نیز گاهی به طاغوت‌ها قدرت، ثروت و امکانات داده است، اما این هرگز نشانه رضایت الهی از آنان نیست. بلکه گاه همین نعمت‌ها، مقدمه سقوط و عذاب آنان می‌شود.

۴. سرعت حرکت در زمین

از ویژگی‌های شگفت دجال، سرعت حرکت او در سراسر زمین است. در حدیثی که مسلم روایت کرده، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يَمُكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا... يَوْمٌ كَسَنَةٍ، وَيَوْمٌ كَشَهْرٍ، وَيَوْمٌ كَجُمُعَةٍ، وَسَائِرُ أَيَّامِهِ كَأَيَّامِكُمْ.»

یعنی دجال چهل روز در زمین می‌ماند؛ یک روز آن مانند یک سال است، روزی دوم مانند یک ماه، روزی سوم مانند یک هفته، و باقی روزها مانند روزهای معمولی شما.

در ادامه حدیث آمده است که حرکت او در زمین بسیار سریع است؛ به گونه‌ای که مانند بارانی است که باد آن را به سرعت می‌راند. این سرعت باعث می‌شود که فتنه او در مدت کوتاهی به مناطق مختلف برسد و بسیاری از مردم با آن مواجه شوند.

علمای حدیث گفته‌اند که این سرعت حرکت نشان می‌دهد که فتنه دجال تنها محدود به یک منطقه کوچک نخواهد بود، بلکه گستره‌ای وسیع در جهان خواهد داشت.

۵. زنده نشان دادن مردگان

از شدیدترین آزمایش‌هایی که در احادیث ذکر شده، ماجرای جوان مؤمنی است که در برابر دجال می‌ایستد. در صحیح مسلم آمده است که دجال این جوان را می‌کشد و سپس به ظاهر او را زنده می‌کند. پس از آن از او می‌پرسد: آیا اکنون به من ایمان می‌آوری؟

اما آن جوان مؤمن پاسخ می‌دهد که یقین او به کذب دجال بیشتر شده است این حادثه نشان می‌دهد که حتی چنین امر شگفتی نیز برای مؤمنی که بصیرت دارد، دلیل بر حقانیت دجال نمی‌شود. بلکه او می‌داند که این امور بخشی از آزمایش الهی است.

۶. محدودیت قدرت دجال

با وجود همه این قدرت‌ها، احادیث تأکید می‌کنند که دجال محدودیت‌هایی نیز دارد. او نمی‌تواند وارد برخی شهرها شود؛ از جمله مکه و مدینه که به وسیله فرشتگان محافظت می‌شوند. همچنین قدرت او محدود به زمانی مشخص است و در نهایت با نزول عیسی علیه السلام نابود خواهد شد.

این محدودیت‌ها یادآور حقیقت مهمی است: هرچقدر هم که فتنه دجال بزرگ باشد، او همچنان بنده‌ای عاجز و محدود است و تحت تقدیر الهی حرکت می‌کند. او نه مالک زمان است و نه مالک زمین.

جمع‌بندی بخش

قدرت‌ها و تصرفات دجال، بخشی از بزرگ‌ترین امتحان الهی برای بشر است. او با نشان دادن اموری که شبیه معجزه به نظر می‌رسند، بسیاری از انسان‌ها را دچار تردید و گمراهی می‌کند. اما مؤمنی که معیار خود را قرآن و سنت قرار داده باشد، می‌داند که شگفتی و قدرت ظاهری هرگز دلیل بر حقانیت نیست. فتنه دجال به مسلمانان می‌آموزد که ایمان حقیقی تنها زمانی آشکار می‌شود که انسان در برابر فریب ظواهر، استوار بماند و حقیقت را با معیار وحی بسنجد، نه با معیار حیرت و منفعت.

بخش هفتم

مدت اقامت و گستره جغرافیایی فتنه دجال

مدت اقامت

پس از شناخت ویژگی‌های ظاهری و قدرت‌های فتنه‌انگیز دجال، پرسش مهمی که برای هر مؤمن پیش می‌آید این است که این فتنه چه مدت به طول می‌انجامد و کدام مناطق از جهان را در بر می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش در احادیث صحیح نبوی با دقت بسیاری بیان شده است تا مسلمانان آمادگی روانی و ایمانی لازم را برای مواجهه با این زمان دشوار داشته باشند.

در نگاه اهل سنت و جماعت، تعیین زمان و مکان در فتنه‌های آخرالزمان، نه بر پایه حدس و گمان، بلکه بر اساس نصوص صریح استوار است. این نصوص نشان می‌دهند که هرچند فتنه دجال بسیار شدید است، اما زمان آن محدود و قلمرو آن تحت اراده الهی است.

۱. مدت ماندگاری دجال در زمین

بر اساس روایت مشهور «نواس بن سمعان» رضی الله عنه در صحیح مسلم، صحابه از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند: «ای رسول خدا، دجال چه مدت در زمین می‌ماند؟» پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«أَرْبَعُونَ يَوْمًا؛ يَوْمٌ كَسَنَةٍ، وَيَوْمٌ كَشْهْرٍ، وَيَوْمٌ كَجُمُعَةٍ، وَسَائِرُ أَيَّامِهِ كَأَيَّامِكُمْ.»

یعنی: «چهل روز؛ روزی همانند یک سال، روزی همانند یک ماه، روزی همانند یک هفته، و باقی روزهای او مانند روزهای معمولی شماست.»

این حدیث شریف حاوی نکات بسیار مهمی است.

محدودیت زمانی:

کل مدت حضور دجال چهل روز است. این خود مایه آرامش برای مؤمنان است که بدانند این فتنه عظیم، عمری طولانی نخواهد داشت و به زودی پایان می‌یابد.

تغییر در نظام زمان:

طبق ظاهر حدیث که مذهب جمهور اهل سنت بر آن است، سه روز نخست ظهور دجال با روزهای عادی متفاوت است. این تغییر در طول روز، خود یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌ها و بخشی از امتحان الهی است.

۲. فقه نماز در روزهای طولانی (دیدگاه فقهی)

در ادامه همین حدیث، نکته‌ای وجود دارد که عمق نگاه علمی و فقهی اسلام را نشان می‌دهد. صحابه که همواره دغدغه بندگی داشتند، پرسیدند: «ای رسول خدا، در آن روزی که مانند یک سال است، آیا نماز یک روز (پنج وقت) برای ما کافی است؟» پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند

«لَا، افْذَرُوا لَهُ قَدْرَهُ.»

یعنی: «خیر، اندازه آن را برآورد کنید (و طبق زمان معمول نماز بخوانید).»

این بخش از حدیث برای فقهای احناف و سایر مذاهب، یک اصل بزرگ در «فقه النوازل» (مسائل مستحدثه) است. این حکم نشان می‌دهد که تکالیف شرعی حتی در سخت‌ترین شرایط و تغییرات کیهانی ساقط نمی‌شود. مسلمانان موظف‌اند در آن روزهای بسیار طولانی، با تخمین زدن زمان بر اساس ساعت‌های معمولی، نمازهای پنج‌گانه خود را در فواصل معین ادا کنند. این امر نشان‌دهنده اهمیت نظم و استمرار در بندگی، حتی در اوج فتنه دجال است.

۳. گستره حرکت دجال در پهنه گیتی

دجال در مدت حضور خود، با سرعتی وصف‌ناپذیر حرکت می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم سرعت او را به «بارانی که باد آن را می‌راند» تشبیه کرده‌اند. در احادیث آمده است که او هیچ شهر و سرزمینی را باقی نمی‌گذارد مگر آنکه وارد آن می‌شود یا بر آن اشراف پیدا می‌کند.

این گستردگی نشان می‌دهد که فتنه دجال یک بحران محلی یا منطقه‌ای نیست، بلکه یک آزمایش جهانی است. او به دنبال آن است که دعوت باطل خود را به گوش تمام بشریت برساند و از ضعف ایمان در هر گوشه‌ای از جهان بهره ببرد.

۴. پناهگاه‌های امن: مکه و مدینه

خداوند متعال برای مؤمنان پناهگاه‌هایی قرار داده است که دجال توان ورود به آنها را ندارد. در صحیح بخاری و مسلم به صراحت آمده است که دجال به هر سرزمینی پا می‌گذارد، مگر مکه و مدینه.

در حدیث انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطُوهُ الدَّجَالُ، إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ...»

علت این ممنوعیت ورود، محافظت الهی است. بر هر راهی از راه‌های ورودی این دو شهر، فرشتگانی صف کشیده‌اند که با شمشیرهای برهنه از حریم حرم دفاع می‌کنند. هنگامی که دجال به نزدیکی مدینه می‌رسد و در منطقه‌ای به نام «سبخه» (شوره زار بیرون مدینه) مستقر می‌شود، مدینه سه بار به لرزه در می‌آید و هر کافر و منافقی که در آن است، از شهر خارج شده و به دجال می‌پیوندد. به این ترتیب، مدینه از ناپاکی نفاق پاک می‌گردد.

۵. سایر مناطق حفاظت شده

علاوه بر مکه و مدینه، در برخی روایات صحیح و معتبر دیگر، به دو مکان مقدس دیگر نیز اشاره شده که دجال به آن‌ها وارد نمی‌شود:

-مسجد الاقصی (بیت المقدس)

-مسجد کوه طور

این مکان‌ها به سبب تقدس و جایگاهی که در تاریخ انبیاء دارند، از ورود این موجود پلید مصون می‌مانند. این امر نشان می‌دهد که جبهه ایمان همواره دارای پایگاه‌های استواری است که باطل را به آن راهی نیست.

۶. مسیر حرکت و نقطه آغازین

در روایات متعددی ذکر شده است که دجال از سمت شرق ظهور می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم به منطقه «خراسان» و شهر «اصفهان» اشاره فرموده‌اند. در حدیثی در صحیح مسلم آمده است که هفتاد هزار نفر از یهود اصفهان، در حالی که رداهای مخصوص (طیالسه) بر تن دارند، او را همراهی می‌کنند.

او از شرق حرکت کرده و به سمت عراق و شام می‌رود و در میان راه، فتنه و آشوب به پا می‌کند. مسیر حرکت او به گونه‌ای است که می‌کوشد بیشترین جلب توجه و جذب نیرو را داشته باشد تا در نهایت به سمت مناطق مرکزی جهان اسلام حرکت کند.

۷. حکمت سرعت و گستردگی حرکت او

علمای اهل سنت در تحلیل این موضوع گفته‌اند که سرعت حرکت دجال و شمول فتنه او بر سراسر زمین، برای آن است که

۱ حجت بر همگان تمام شود: تا کسی نگوید که ما از این فتنه بی‌خبر بودیم.

۲. غربالگری نهایی: ایمان واقعی از ادعاهای دروغین جدا شود؛ زیرا وقتی فتنه به در خانه هر انسانی برسد، تنها کسانی که حقیقتاً به خدا توکل کرده‌اند، نجات می‌یابند.

۳. نمایش عجز بشر: تا انسان‌ها بفهمند که بدون هدایت الهی، در برابر فتنه‌ها چقدر ناتوان‌اند.

جمع‌بندی بخش

فتنه دجال، هرچند از نظر زمانی کوتاه (چهل روز) است، اما از نظر شدت و گستردگی، تمام جهان (به جز مکه، مدینه و بیت‌المقدس) را در بر می‌گیرد. تغییر در نظام زمان در روزهای نخست ظهور او، بزرگ‌ترین چالش برای نظم بندگی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم راه حل فقهی آن را پیشاپیش بیان فرموده‌اند.

این بخش به ما می‌آموزد که برای در امان ماندن از دجال، علاوه بر پناه بردن به مکان‌های مقدس (اگر مقدور باشد)، باید به «حقیقت بندگی» و «نظم در تکالیف» پناه برد؛ چرا که حتی در روزی که یک سال طول می‌کشد، پیوند با خدا از طریق نماز، تنها راه حفظ ثبات قدم است.

بخش هشتم

پیروان دجال؛ چه کسانی و چرا به او می پیوندند؟

پیروان دجال

فتنه دجال تنها یک حادثه فردی نیست، بلکه یک جریان اجتماعی عظیم است. با وجود آنکه تمام پیامبران درباره او هشدار داده‌اند و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم با جزئیات دقیق، کذب و عیوب او را برملا کرده‌اند، اما نصوص صحیح خبر می‌دهند که توده‌های عظیمی از مردم آگاهانه یا ناآگاهانه به او می‌پیوندند. شناخت ترکیب جمعیتی پیروان دجال و انگیزه‌های آنان، یکی از حیاتی‌ترین مباحث برای هر مؤمن است تا مبادا ناخواسته در صفاتی شریک شود که فرجام آن الحاق به لشکر «اعور کذاب» است.

در منهج اهل سنت، سقوط در فتنه دجال یک اتفاق تصادفی نیست، بلکه نتیجه انحرافات پیشین در عقیده، اخلاق و عمل است.

۱. یهودیان و پیوند تاریخی آنان با دجال

یکی از اصلی‌ترین گروه‌هایی که به عنوان پیروان سرسخت دجال در احادیث معرفی شده‌اند، یهودیان هستند. در صحیح مسلم از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يَتَّبِعُ الدَّجَالَ مِنْ يَهُودٍ أَصْبَهَانَ سَبْعُونَ أَلْفًا عَلَيْهِمُ الطَّيَالِسَةُ.»

یعنی: «هفتاد هزار نفر از یهودیان اصفهان در حالی که ردهای مخصوص (طیالسه) بر تن دارند، از دجال پیروی می‌کنند.»

علما در تحلیل این پیوند گفته‌اند که یهود بر اساس پیش‌گویی‌های تحریف‌شده خود، منتظر پادشاهی هستند که آنان را به سیادت جهانی برساند. از آنجا که آنان عیسی بن مریم علیه السلام را تکذیب کردند، در دام «مسیح ضلالت» (دجال) می‌افتند. این نشان می‌دهد که انحراف در شناخت فرستادگان خدا، انسان را به پذیرش مدعیان باطل می‌کشاند.

۲. منافقان و کسانی که در دل بیمارند

دجال برای «خالص‌سازی» صفوف ایمان می‌آید. او مانند یک کوره عمل می‌کند که سرب را از نقره جدا می‌سازد. در احادیث مربوط به ورود دجال به حاشیه مدینه منوره، آمده است که وقتی او در شوره زار بیرون شهر مستقر می‌شود، مدینه سه بار به لرزه در می‌آید. در اثر این لرزش، هر مرد و زن منافقی که در مدینه است، از شهر خارج شده و به دجال می‌پیوندد.

این واقعه نشان می‌دهد که مجاورت فیزیکی با مکان‌های مقدس (مانند مدینه) به تنهایی کافی نیست، بلکه آنچه انسان را حفظ می‌کند، «ایمان قلبی» است. منافقان که در ظاهر با مسلمانان بودند، چون ریشه ایمانی ندارند، با اولین تکانه‌های فتنه، به سوی مرکز جاذبه باطل (دجال) کشیده می‌شوند.

۳. جاهلان و بادیه‌نشینان (افراد سطحی‌نگر)

در برخی روایات آمده است که دجال به سراغ افرادی می‌رود که از علم وحی بهره‌ای ندارند و تنها با حواس ظاهری خود قضاوت می‌کنند. او به یک بادیه‌نشین می‌گوید: «اگر پدر و مادرت را برای زنده کنم، آیا ایمان می‌آوری که من پروردگار

تو هستم؟» وقتی او می‌پذیرد، شیاطین به صورت پدر و مادر او ظاهر می‌شوند و او را به پیروی از دجال تشویق می‌کنند.

این دسته از پیروان، قربانی «جهل» و «شگفتی» هستند. آنان چون حقیقت قدرت خدا و صفات او را نمی‌شناسند، هر امر خارق‌العاده‌ای را دلیل بر حقانیت می‌پندارند. در نگاه علمای احناف، تحصیل علم دین به قدری که انسان را از شبهات محافظت کند، فرض عین است؛ و فتنه دجال، ضرورت این علم را به خوبی نشان می‌دهد.

۴. زنان و هشدار به خانواده‌ها

در حدیثی که امام احمد در مسند خود روایت کرده، پیامبر صلی الله علیه وسلم به شدت بر محافظت از زنان در برابر فتنه دجال تأکید فرموده‌اند. در آن حدیث آمده است که دجال در منطقه‌ای به نام «مرقناة» مستقر می‌شود و بیشترین کسانی که به سوی او می‌روند زنان هستند؛ تا جایی که مرد به خانه خود باز می‌گردد و همسر، مادر، دختر و خواهر خود را (از بیم آنکه فریب دجال را بخورند و به سوی او بشتابند) می‌بندد.

علما در تبیین این موضوع گفته‌اند که این به معنای نقص در ذات زنان نیست، بلکه اشاره به دو نکته تربیتی دارد.

اول: تأثیرپذیری عاطفی و احساسی در برابر شگفتی‌ها و فریب‌های ظاهری.

دوم: دجال از راه تأمین نیازها و وعده رفاه وارد می‌شود و کسانی که در سختی‌های آخرالزمان صبر کمتری داشته باشند، آسیب‌پذیرترند.

این هشدار، وظیفه سنگین سرپرستان خانواده را برای آموزش عقیده صحیح به اعضای خانواده گوشزد می‌کند.

۵. پیروان دنیا و شکمپرستان

بخش بزرگی از پیروان دجال را کسانی تشکیل می‌دهند که او را «خدا» نمی‌دانند، اما چون نان و باران و ثروت در دست اوست، از او تبعیت می‌کنند. در برخی آثار آمده است که بعضی مردم می‌گویند: «ما می‌دانیم او دروغ‌گوست، اما ما از طعام او می‌خوریم و از درختان او بهره می‌بریم. این خطرناک‌ترین نوع پیروی است؛ یعنی «فروختن دین به دنیا». وقتی نان تبدیل به قبله شود، دجال به راحتی می‌تواند مردم را بنده خود کند.

۶. انگیزه‌های اصلی الحاق به لشکر دجال

اگر بخواهیم علل اصلی سقوط انسان‌ها در این فتنه را جمع‌بندی کنیم، به چهار رکن می‌رسیم:

۱. شبهه علمی: نشناختن صفات پروردگار و تفاوت آن با نقص‌های دجال.

۲. شهوت دنیوی: تمایل به رفاه و فرار از سختی و گرسنگی.

۳. ترس و ارباب: ترس از قدرت ظاهری و مرگ.

۴. **تئوری توده:** دنباله‌روی کورکرانه از جمعیت (چون همه به آن سو می‌روند، ما هم برویم).

۷. بصیرت؛ تنها راه نجات

در مقابل این گروه‌ها، مؤمنان بصیر قرار دارند. مانند آن جوانی که دجال او را می‌کشد و زنده می‌کند، اما او فریاد می‌زند: «ای مردم! این همان دجالی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما خبر داده بود؛ و من امروز در دروغ‌گویی او بابصیرت‌تر از همیشه‌ام.

این بصیرت از کجا می‌آید؟ از خواندن قرآن، تدبر در احادیث و پایبندی به سنت. دجال بر پیشانی‌اش نوشته شده «کافر» (ک ف ر) که هر مؤمنی—چه باسواد و چه بی‌سواد—می‌تواند آن را بخواند. این «خواندن» نه با چشم سر، بلکه با **نور ایمان** است.

جمع‌بندی بخش

پیروان دجال طیف وسیعی از مردم هستند؛ از نخبگان منحرف یهود تا توده‌های جاهل و شکم‌پرست. وجه اشتراک همه آنان این است که پیوندشان با «غیب» و «وحی» قطع شده و اسیر «ماده» و «ظاهر» گشته‌اند. فتنه دجال به ما می‌آموزد که برای نجات، باید از همین امروز بر ایمان قلبی، علم دینی و زهد در دنیا کار کرد.

بخش نهم

راه‌های مصونیت از فتنه دجال بر اساس سنت نبوی

راه‌های مصونیت از فتنه

پس از آنکه هولناکیِ فتنه دَجّال، قدرت‌های فریبنده و پیروان او را شناختیم، قلب مؤمن ناخودآگاه به دنبال پناهگاهی می‌گردد تا در آن طوفان سهمگین، ایمان خود را به سلامت به ساحل نجات برساند. رحمت واسعه الهی و شفقت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم اقتضا کرده است که امت را در برابر این بزرگ‌ترین آزمایش تاریخ، بی‌پناه رها نکنند. در سنت نبوی، منظومه‌ای از راهکارهای معنوی، علمی و عملی برای مصونیت از این فتنه طراحی شده است که در این بخش به بررسی آنها می‌پردازیم.

در منهج اهل سنت، نجات از دَجّال تنها با تکیه بر قدرت بشری ممکن نیست، بلکه نیازمند تمسک به ریسمان الهی و بکارگیری دستوراتی است که وحی پیش‌پای ما نهاده است.

۱. پناه بردن به دعا و استعاذه در نماز

نخستین و مداوم‌ترین سنگر مؤمن برای دوری از فتنه دَجّال، «دعا» است. پیامبر صلی الله علیه وسلم به امت آموختند که در هر نماز، پس از تشهد و پیش از سلام، از چهار چیز به خدا پناه ببرند که یکی از آنها فتنه دَجّال است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ.»

تکرار این دعا در نمازهای پنج‌گانه، روح مؤمن را همواره نسبت به خطر دَجّال بیدار نگه می‌دارد. این استمرار در استعاذه، نوعی واکسیناسیون روحی است تا در زمان وقوع فتنه، قلب مؤمن به طور خودکار به سمت پروردگار متمایل شود.

۲. انس با سوره کهف؛ رمز و راز نجات

یکی از مشهورترین و مؤکدترین توصیه‌های نبوی برای در امان ماندن از دجال، تلاوت و حفظ آیات سوره کهف است. در صحیح مسلم از ابودرداء رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ.»

یعنی: «هر کس ده آیه از ابتدای سوره کهف را حفظ کند، از (فتنه) دجال در امان می‌ماند.» (در برخی روایات، ده آیه پایانی نیز ذکر شده است).

چرا سوره کهف؟

علما در حکمت این پیوند گفته‌اند که سوره کهف داستان جوانانی را روایت می‌کند که برای حفظ ایمان خود از حاکمی ظالم و فتنه‌گر، به غار پناه بردند. این سوره حاوی مفاهیم عمیق توحیدی و بیانگر این حقیقت است که قدرت مطلق تنها از آن خداست و پدیده‌های مادی نباید انسان را بفریبد. تلاوت مداوم این سوره در روزهای جمعه، نوری در قلب مؤمن ایجاد می‌کند که او را از تاریکی‌های فتنه عبور می‌دهد.

۳. شناختِ صفاتِ پروردگار و صفاتِ دَجّال (بصیرت علمی)

بزرگ‌ترین سلاح دَجّال، شبهه است. او ادعای خدایی می‌کند. بنابراین، بهترین دفاع، شناخت «توحید» است. پیامبر صلی الله علیه وسلم با بیانی ساده اما عمیق، تضاد میان دَجّال و خداوند را تبیین فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرُ الْعَيْنِ الْيُمْنَى...»

یعنی: «خداوند یک‌چشم نیست، آگاه باشید که دَجّال چشم راستش کور است.»

این درس بزرگ توحیدی به ما می‌آموزد که هر کس دارای نقص (مانند جسم داشتن، راه رفتن، غذا خوردن و کور بودن) است، نمی‌تواند خدا باشد. تقویتِ عقیده صحیح در مورد صفات الله متعال، ذهن مؤمن را در برابر ادعاهای پوچ دَجّال رویین‌تن می‌کند.

۴. دوری جستن و فرار از مواجهه با دَجّال

سنت نبوی در مورد فتنه‌ها، به ویژه فتنه دَجّال، بر «پرهیز» و «دوری» تأکید دارد، نه بر رویارویی و خودنمایی. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَنْ سَمِعَ بِالْدَّجَالِ فَلْيَنَأْ عَنْهُ...»

یعنی: «هر کس خبر ظهور دَجّال را شنید، باید از او دوری کند و تا حد ممکن از او فاصله بگیرد.»

بسیاری از مردم با اعتماد به نفس کاذب فکر می‌کنند که ایمانشان قوی است و می‌روند تا با دجال بحث کنند یا او را شکست دهند، اما به محض دیدن شگفتی‌های او، فریب خورده و به او می‌پیوندند. وظیفه مؤمن در آن زمان، پناه بردن به کوه‌ها، بیابان‌ها و یا ماندن در خانه‌ها و بستن درهاست تا چشمانش به مناظر فریبنده او نیفتد.

۵. سکونت در مکه و مدینه

همان‌طور که در فصول قبل ذکر شد، مکه و مدینه مناطقی هستند که دجال اجازه ورود به آن‌ها را ندارد. در زمان ظهور او، کسانی که توانایی داشته باشند، با هجرت به این دو شهر مقدس می‌توانند خود را در دژ امن الهی قرار دهند. این پناهندگی فیزیکی، پاداش کسانی است که پیش از آن، قلباً به شعائر الهی حرمت نهاده‌اند.

۶. تمسک به جماعت و همراهی با صالحان

فتنه‌ها معمولاً افرادی را شکار می‌کنند که تنها و جدا از جماعت مؤمنان هستند. در زمان دجال، همراهی با لشکری که تحت پرچم امام مهدی علیه السلام یا در کنار حضرت عیسی علیه السلام است، راه نجات است. انزوا از جامعه متدین و بریدن از علمای ربانی، راه را برای نفوذ شیطان و دجال هموار می‌کند.

۷. آمادگی برای سختی‌ها (زهد و قناعت)

چون دَجّال از ابزار «تحریم و رفاه» استفاده می‌کند، کسانی که در دنیا به تن‌پروری و تجمل‌گرایی عادت کرده‌اند، زودتر تسلیم می‌شوند. تربیت نفس بر اساس قناعت و صبر بر گرسنگی (چنان‌که در احادیث آمده که تسبیح و تحمید در آن زمان جایگزین طعام مؤمنان می‌شود)، سلاحی است که قدرتِ تطمیع دَجّال را از کار می‌اندازد.

جمع‌بندی بخش

مصونیت از فتنه دَجّال یک پروژه مستمر است که از همین امروز آغاز می‌شود. این مصونیت با دعادر نماز، تلاوت سوره کهف، آموزش عقیده توحیدی، تمرین صبر و قناعت، و تصمیم ر دوری از مراکز فتنه حاصل می‌گردد. نجات‌یافتگان کسانی هستند که پیش از دیدن دَجّال، خدا را با تمام وجود شناخته‌اند.

بخش دهم

فرجام دجال؛ نزول عیسی علیه السلام و نابودی فتنه

فرجام دجال؛

پس از آنکه زمین زیر پای بشر از سنگینیِ فتنه دجال به لرزه درمی‌آید، پس از آنکه ایمان‌ها غربال می‌شود و صفوف حق و باطل به‌روشنی از هم جدا می‌گردد، وعده الهی فرا می‌رسد؛ وعده‌ای که دل‌های مؤمنان قرن‌ها به آن امید بسته‌اند: نزول عیسی بن مریم علیه السلام و پایان یافتن بزرگ‌ترین فتنه تاریخ.

این پایان، تنها نابودی یک فرد نیست؛ بلکه اعلان رسمی شکست طغیان و پیروزی نهایی توحید است.

۱. زمان نزول عیسی علیه السلام

در صحیح مسلم از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت می‌بخشی درباره دجال نقل شده است. در بخشی از آن آمده است که هنگامی که دجال در اوج قدرت خود قرار دارد و لشکر مؤمنان را محاصره کرده است، خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را نازل می‌کند.

نزول ایشان در هنگام نماز صبح و در شرایطی صورت می‌گیرد که مسلمانان آماده رویارویی نهایی با دجال هستند. در آن لحظه حساس، امداد آسمانی فرود می‌آید.

۲. محل نزول

در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِيَّ دِمَشْقَ...»

یعنی: «عیسی بن مریم در کنار مناره سفید در شرق دمشق فرود می‌آید.»

ایشان در حالی نازل می‌شوند که دو دست خود را بر بال‌های دو فرشته نهاده‌اند، لباس‌هایی زردفام بر تن دارند و قطرات آب از سر ایشان فرو می‌چکد، گویی تازه از غسل بیرون آمده‌اند. این تصویر، نزولی حقیقی و جسمانی را نشان می‌دهد، نه نمادین یا معنوی.

اهل سنت بر این باورند که عیسی علیه السلام زنده به آسمان برده شده و در آخرالزمان به زمین بازمی‌گردد؛ و این بازگشت، بخشی از عقیده اسلامی است که در احادیث متواتر معنوی ثابت شده است.

۳. امامت نماز و وحدت امت

در هنگام نزول عیسی علیه السلام، امام مسلمانان (که در بسیاری از روایات به عنوان **مهدی** معرفی شده) قصد دارد نماز را اقامه کند و از عیسی می‌خواهد که پیش‌نمازی کند. اما عیسی علیه السلام می‌فرماید

«إِنَّمَا أَقِيمْتُ لَكَ.»

یعنی: «نماز برای تو اقامه شده است.

و پشت سر امام مسلمانان نماز می‌خوانند.

در این صحنه، پیامی عظیم نهفته است: عیسی علیه السلام با آن مقام والای نبوت، به شریعت محمد صلی الله علیه وسلم اقتدا می‌کند و نشان می‌دهد که دین حاکم در پایان تاریخ، همان اسلام خاتم است. این واقعه، تحریف‌های پیشین را باطل می‌سازد و وحدت نهایی امت را رقم می‌زند.

۴. رویارویی با دجال

پس از نماز، سپاه مؤمنان به سوی دجال حرکت می‌کند. هنگامی که دجال عیسی علیه السلام را می‌بیند، همانند نمک که در آب حل می‌شود، فرو می‌ریزد و قدرت ظاهری‌اش از هم می‌پاشد. او می‌گریزد، اما عیسی علیه السلام او را تعقیب می‌کند.

در روایت صحیح آمده است که عیسی علیه السلام دجال را در منطقه‌ای به نام «باب لُد» (در سرزمین فلسطین) درک می‌کند و با نیزه خود او را به قتل می‌رساند.

با کشته شدن دجال، رشته فتنه قطع می‌شود و هیمنه پوشالی او فرو می‌ریزد. مردمی که او را ربّ می‌پنداشتند، با چشم خود عجز و مرگش را می‌بینند. این صحنه، پایان عملی ادعای الوهیت اوست.

۵. سرنوشت پیروان دجال

پس از هلاکت دجال، پیروان سرسخت او که همچنان بر باطل خود اصرار دارند، مورد تعقیب قرار می‌گیرند. در برخی روایات آمده است که حتی درختان و سنگ‌ها به اذن خداوند سخن می‌گویند و محل اختفای یهودیان را آشکار می‌سازند—جز درخت «غرقد» که از درختان مورد علاقه آنان است.

این تصویر، نمادی از آن است که در آن روز، طبیعت نیز در صف حق قرار می‌گیرد و جهان هستی علیه باطل شهادت می‌دهد.

۶. برقراری عدالت و شکستن صلیب

پس از نابودی دجال، عیسی علیه السلام دوران جدیدی از عدالت و آرامش را آغاز می‌کنند. در احادیث آمده است که ایشان:

-صلیب را می‌شکنند (ابطال عقیده تثلیث و الوهیت خود).

-خوک را می‌کشند (ابطال تحریفات شریعت).

-جزیه را برمی‌دارند (زیرا همه یا اسلام می‌آورند یا باطل از میان می‌رود).

-عدالت را در زمین گسترش می‌دهند.

در آن دوران، امنیت و برکت به حدی می‌رسد که کینه‌ها از دل‌ها برداشته می‌شود، حیوانات درنده با انسان‌ها در صلح زندگی می‌کنند و زمین برکات خود را آشکار می‌سازد.

این عصر، تصویری از تحقق وعده الهی است که فرمود:

(وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)

«و سرانجام از آن پرهیزگاران است.»

۷. پیام نهایی این فرجام

فرجام دجال تنها یک خبر آینده نیست؛ بلکه درسی همیشگی برای امروز ماست. این واقعه به ما می‌آموزد که:

-باطل هرچند پرزرق و برق باشد، ناپایدار است.

-قدرت‌های مادی اگر پشتوانه الهی نداشته باشند، همچون سایه‌ای زودگذرند.

-نصرت خداوند در اوج تاریکی فرا می‌رسد

مؤمن باید بداند که حتی اگر جهان در چنگال فتنه‌ای فراگیر گرفتار شود، وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. دجال می‌آید، اما می‌رود. عیسی علیه السلام نازل می‌شود و حق را آشکار می‌سازد. و در نهایت، زمین میراث بندگان صالح خواهد شد.

جمع‌بندی نهایی کتاب

فتنه دجال پیش از آنکه حادثه‌ای در آینده باشد، هشدار برای اصلاح امروز ماست. هر اندازه توحید در دل‌ها راسخ‌تر باشد، هر اندازه وابستگی به دنیا کمتر گردد، و هر اندازه پیوند با قرآن و سنت عمیق‌تر شود، به همان میزان از آن فتنه بزرگ در امان خواهیم بود.

مهم‌ترین پیام این کتاب این است که دجال، پیش از آنکه یک «شخص» باشد، یک «جریان» است. پیش از آنکه او به صورت فیزیکی از مشرق‌زمین ظهور کند، روح دجال‌گیری—یعنی پوشاندن حق با باطل، اصالت دادن به ماده، و ادعای الوهیت انسان بر سرنوشت خود—در جهان خودنمایی می‌کند. شناخت دجال، در واقع شناخت جبهه باطل در کامل‌ترین و فریبنده‌ترین شکل آن است.

خلاصه‌ای از آموخته‌های کلیدی

۱. حقیقی بودن فتنه: دجال نه یک نماد یا استعاره، بلکه انسانی حقیقی با ویژگی‌های جسمانی مشخص است که سنت الهی او را برای بزرگ‌ترین غربالگری تاریخ بشر برگزیده است.

۲. معیار نجات، توحید است: تنها کسانی از فریب «بهشت و جهنم» وارونه‌ی او جان سالم به در می‌برند که خداوند را با صفات کمالش شناخته باشند و بدانند که پروردگار جهانیان منزّه از نقص و جسمانیت است.

۳. سلاح مؤمن، سنت نبوی است: تلاوت سوره کهف، استعاذه در نماز، و دوری از مواضع شبهه، تنها توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه دستورالعمل‌های حفاظتی دقیق برای حفظ حیات ایمانی هستند.

۴. پایان محتوم باطل: هر چقدر هم که باطل قدرتمند جلوه کند و زمین و آسمان را در تسخیر خود بگیرد، در برابر نور حقیقت که با نزول عیسی بن مریم علیه السلام تجلی می‌یابد، همچون نمک در آب ذوب خواهد شد.

خواننده عزیز، وظیفه ما در این عصر، «آمادگی» است. آمادگی نه به معنای ترس و اضطراب، بلکه به معنای ساختن قلبی که در تلاطم شبهات نلرزد. ما باید فرزندان خود را با توحید راسخ و محبت سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تربیت کنیم تا در روزی که تشخیص حق از باطل برای بسیاری دشوار می‌شود، آنان نشانه‌ی «کافر» را بر پیشانی فتنه بخوانند.

این کتاب کوششی بود تا با تکیه بر متون صحیح و منهج اهل سنت، گرد و غبار خرافات و تأویلات بی‌اساس را از چهره این حقیقت دینی بزدايد و آن را به عنوان یک دغدغه ایمانی و اصلاحی بازنمایی کند.

خداوند را شاکریم که توفیق اتمام این نوشتار را عنایت فرمود. از او می‌خواهیم که ما را از فتنه‌های آشکار و پنهان، و به ویژه از شر فتنه مسیح دجال مصون بدارد و قلب‌های ما را بر دینش استوار گرداند.

اللَّهُمَّ أَرِنَا الْحَقَّ حَقًّا وَارْزُقْنَا اتِّبَاعَهُ، وَأَرِنَا
الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَارْزُقْنَا اجْتِنَابَهُ.

بار خدایا! حق را به ما حق بنمایان و توفیق پیروی از آن
را روزی مان کن، و باطل را به ما باطل بنمایان و توفیق
دوری از آن را نصیبمان فرما.

امین

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English